

- بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الاحرام می گوید ۷۱
- بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای استفتاح ۷۴
- بابی است در بیان خواندن سوره ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان
الرجیم ۷۵
- بابی است در بیان اذکار رکوع ۸۰
- بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع در حال اعتدال
می گوید ۸۳
- بابی است در بیان اذکار سجود ۸۵
- بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن
میان دو سجود می گوید ۸۹
- بابی است در بیان اذکار رکعت دوم ۹۰
- بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح ۹۰
- بابی است در بیان تشهد در نماز ۹۸
- بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر ۱۰۰
- بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر ۱۰۱
- بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز ۱۰۴
- بابی است در بیان آنچه شخص می گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با
او سخن می گوید ۱۰۵
- بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود ۱۰۶
- بابی است در باره ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح ۱۱۴
- بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می شوند ۱۱۷
- بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می شود ۱۴۰

باب مايقوله بعد تكبيرة الإحرام

بابی است در بیان آنچه بعد از تكبيرة الإحرام می‌گوید.

بدان که در دعای استفتاح نماز که بعد از تكبيرة الإحرام خوانده می‌شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از اینکه تكبيرة الإحرام گفت، بر زبان آورد: (اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً)؛ «خدا بزرگ‌تر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی‌شمار بامداد و پسین».

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

«روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمان‌ها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است. شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مامور شده‌ام و از مسلمانانم».

(اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ أَصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ).

«خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگارم هستی و من بنده‌ات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهانم، پس بیا مرز برایم همه‌ی

گناهانم، برای اینکه نمی‌آمزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو.

(لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَ إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ).

«من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از توام و به سوی تو می‌آیم، پر شد برکت و بالاتر آمد مرتبه‌ات از اینکه کسی آن را ادراک کند. از تو آمرزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به سوی درگاهت».

(اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ. اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْثَّلْجِ وَ الْمَاءِ وَ الْبَرَدِ)؛ «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی این‌ها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت شده است و شخص می‌تواند همه‌ی این‌ها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آن‌ها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَفْتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ تَبَارَكَ أَسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ). رواه الترمذی و ابو داود و ابن ماجه بأسانید ضعیفة.

رسول الله ﷺ موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایش

مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمتت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بی‌هقی به روایت از عمر رضی الله عنه از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ» مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آن‌ها و شر آن‌ها و نفع آن‌ها و ضرر آن‌ها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین به تأویل این حدیث پرداخته‌اند. نضر بن شمیل گفته است که معنی «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ» این است که نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند و دوم اینکه شر به درگاهت راه ندارد: (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)؛ خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد. سوم اینکه نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگر چه مخلوق او هستند. چهارم اینکه شر به نسبت حکمت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. و الله أعلم و صَلَّى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(فصل) آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آن‌ها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آن‌ها را بخواند و خوب است اکتفا کردن بر: (وَجْهَتْ وَجْهِيْ تَا وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ)؛ و این دعای استفتاح در نماز فرض و سنت هر دو مستحب است. اگر در آغاز رکعت اول نخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای اینکه محل آن آغاز رکعت اولی است. اگر دعای استفتاح نخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای استفتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و

نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای استفتاح نخواند. و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای استفتاح را بخواند به شرط آنکه به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای استفتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را نخواند. خواندن دعای استفتاح در تمام نمازها سنت است و اگر نخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای استفتاح سنت نیست، برای اینکه مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. و الله أعلم. و دعای استفتاح آهسته خوانده می‌شود.

(باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح)

بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای استفتاح.

بدان که بعد از خواندن دعای استفتاح، سنت است أعوذ بالله من الشیطان الرجیم را گفتن و این أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن سنت است نزد جمهور علما بنا بر این قول خداوند متعال: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾. معنای آن نزد جمهور علما: «إِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَاسْتَعِذْ» وقتی که قصد قراءت قرآن نمودی به خدا پناه ببر از شر شیطان لعنت شده.

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَغَيْرِهِمَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ نَفْخِهِ وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ)؛

رسول الله ﷺ قبل از خواندن سوره‌ی فاتحه فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ پناه می‌برم به خدا از شر شیطان لعنت شده، از شر جنون آوردنش و تکبر آوردنش و شعر نامناسب بر زبان آوردنش». نفخه: جنون آوردنش. نفثه: تکبر آوردنش. همزه: شعر نامناسب آوردنش.

(فصل) بدان که گفتن أعوذ بالله تا آخر مستحب است و واجب نیست؛ اگر نگفت گناه کار نمی‌شود و نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. اعوذ بالله گفتن در همه‌ی نمازها مستحب است، حتی در نماز جنازه هم گفتنش مستحب است. و سنت بودن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم قبل از قراءت قرآن در نماز و در خارج از نماز به اجماع علما ثابت است.

(فصل) أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن در رکعت اولی به اتفاق علما مستحب است. و همچنین در رکعات باقی مستحب است. اگر در رکعت اولی أعوذ بالله نگفت در رکعت بعدی بگوید، بنابراین أعوذ بالله تا آخر در همه رکعت‌های نماز مستحب است. و در رکعت اولی مؤکدتر است. و أعوذ بالله من الشیطان الرجیم آهسته بگوید و اگر چه نماز جهریه باشد. ابوهریره رضی الله عنه، أعوذ بالله را بلند می‌خواند. و ابن عمر رضی الله عنهما أعوذ بالله را آهسته می‌خواند و معتمد همین است.

(باب القراءة بعد التعوذ)

بابی است در بیان خواندن فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

بدان که قراءت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است. و مذهب ما و جمهور علما این است که قراءت سوره‌ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایش را نمی‌گیرد، اگر توانایی بر قراءت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (لَا تُجْزَىٰ صَلَاةٌ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ)، رواه ابن خزيمة و ابن حبان في صحيحيهما بالإسناد الصحيح و حكما بصحّته.

«کفایت نمی‌کند نمازی که در آن سوره‌ی فاتحه خوانده نشود».

و فی الصحیحین عن رسول اللہ ﷺ: (لا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ) در صحیح بخاری و مسلم است که رسول اللہ ﷺ فرمود: «نماز صحیح نمی‌شود مگر به خواندن سوره‌ی فاتحه در آن».

و واجب است خواندن بسم اللہ الرحمن الرحیم و آن آیه‌ی کاملی است در اول سوره‌ی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه تا در بسم اللہ الرحمن الرحیم و باقی در بقیه‌ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحیح نمی‌شود و باید آیه‌های سوره‌ی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می‌شود در سکوت کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس کشیدن باشد. و به ترتیب و موالات خواندن آیه‌های سوره فاتحه واجب است. اگر مأموم در اثنای قرائت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله‌ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

(فصل) اگر در قرائت لحن آمد، چنانچه لحنی است که معنی را تغییر می‌دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می‌گوید صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می‌کند و همچنین: إِيَّاكَ نَعْبُدُ: به کسر کاف نماز را باطل می‌کند.

اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی‌دهد، مثل الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بضم باء ربّ یا إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: به کسر نون که معنی را تغییر نمی‌دهد، نماز را باطل نمی‌کند و اگر به جای وَلَا الضَّالِّينَ گفت: وَلَا الظَّالِّينَ نمازش باطل می‌شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحیح ضاد نمی‌تواند که قراءتش برای خودش صحیح است، اما حق امامت ندارد.

(فصل) اگر کسی فاتحه را نمی‌داند از آیات دیگر قرآن به قدر سوره‌ی فاتحه بخواند. و یاد گرفتن خواندن صحیح سوره‌ی فاتحه بر او واجب است و اگر از قرآن چیزی نمی‌داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یاد گرفتن قراءت فاتحه بر او واجب است و نمی‌تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یاد گرفتن سوره‌ی فاتحه بر او واجب است و اگر می‌توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می‌نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است. علی کل حال نماز را باید خواند.

(فصل) بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره‌ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد. و خواندن یک سوره‌ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره‌ی کوچک. بعد از فاتحه در همه‌ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می‌شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای اینکه بنای نماز جنازه بر تخفیف است. و سوره‌های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه اینکه سوره‌ی بعد، قبل خوانده شود و سوره‌ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره‌ی حجرات تا عمّ می‌باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمّ تا والضحی می‌باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره‌ی سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین و یا اعلی و غاشیه. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره‌ی ق و قمر و یا اعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی

أعلى و رکعت دومی کافرون و در رکعت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آن‌ها سنت است، نه خواندن بعضی از آن‌ها. و در دو رکعت قبلیه‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا...﴾ و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ و یا سوره‌ی کافرون در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است. و بعضی گفته‌اند در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. واللّٰه أعلم.

(فصل) اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز جمعه فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هر دو را در رکعت دوم بخواند و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی این‌ها را امام نووی رحمه الله تعالی در کتاب مجموع شرح مهذب آورده است.

(فصل) در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله ﷺ رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده‌اند و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

(فصل) اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استقساء و نماز خسوف ماه همه‌ی این‌ها به جهر خوانده می‌شود و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی این‌ها آهسته خوانده می‌شود. و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود. و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

(فصل) علمای مذهب ما گفته‌اند که برای امام در نماز جهریه چهار سکوت مستحب است: میان تکبیرة الاحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین، امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند. و میان سوره و رکوع.

(فصل) وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است. در آمین چهار لغت است: آمین. آمین به اماله‌ی میم. آمین به تشدید میم؛ و بهتر همان آمین است. و آمین گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است. و مستحب است که آمین گفتن ماموم همراه آمین گفتن امام باشد. و این تنها محلی است که امام و ماموم با هم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

(فصل) سنت است برای هر کسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید مثل: ﴿إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾. بگوید: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ» و هر گاه به آیه‌ی عذاب رسید مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾؛ بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ بگوید: «بلى و أنا على ذلك من الشَّاهِدِينَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ بگوید: «بلى أَشْهَدُ». و وقتی که خواند: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾؛ بگوید: «أَمَّا بِاللَّهِ. و وقتی که خواند: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ بگوید: «اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». و وقتی که خواند: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَّ الْأَعْلَى». و بر این قیاس.

(باب أذکار الركوع)

بابی است در بیان أذکار رکوع.

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم برای رفتن به رکوع می‌فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می‌داد. این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می‌شود و نه سجود سهو می‌خواهد. فقط تکبیرة الاحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی‌گردد. و از امام احمد رحمه الله تعالى روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» سه بار. اما خود رسول الله ﷺ بعضی اوقات در نماز شب، به اندازه‌ی خواندن سوره‌ی بقره و آل عمران و نساء «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» را تکرار می‌فرموده‌اند، چنانکه در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمان رضی الله عنهما و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

(إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ). «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سبحان ربی العظیم رکوعش کامل شده است».

و ثبت فی الصحیحین عن عائشة رضی الله عنها أن رسول الله ﷺ كان يقول في ركوعه و سجوده: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ بِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي).

رسول الله ﷺ در رکوع و سجودش می‌فرمود: «خدایا تنزیه می‌گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرز مرا».

و ثبت فی صحیح مسلم عن علی رضی اللہ عنہ أنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم کان إذا رکع یقول: (اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ
وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَخُحِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِي).
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم موقعی کہ بہ رکوع می رفت می فرمود: «خدایا برای تو رکوع نمودم و بہ
تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، بہ خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و
بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم».

و جاء فی کتب السنن: (خَشَعَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَخُحِّي وَعَظْمِي وَمَا اسْتَفَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در رکوع می فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و بہ تو ایمان آوردم
و برای تو مسلمان شدم، بہ فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و
استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می کند بہ طاعت آمد برای خدایی کہ پروردگار
جهانیان است».

و رَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قُتْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ
البقرة لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَ سَأَلَ، وَ لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ وَ تَعَوَّذَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ
بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: (سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ) ثُمَّ
قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلُ ذَلِكَ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رَوَاهُ ابوداود وَ النسائي فِي سننهما
وَ الترمذی فِي کتاب الشماثل باسانید صحيحة.

عوف بن مالک گفت: شبی با رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بہ نماز ایستادم، آنگاه سورہی بقرہ
را خواند، بہ ہر آیہی رحمتی کہ می رسید می ایستاد و طلب رحمت می نمود و بہ ہر
آیہی عذابی کہ می رسید می ایستاد و پناہ می برد بر خدا از عذاب او. آنگاه بہ رکوع
رفت و آن را طولانی کرد بہ قدر قیام کہ سورہی بقرہ در آن خوانده بود و در رکوع

می‌فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه‌ی کاینات در دست اوست»، مُلک و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه‌ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می‌خواند.

و ثبت فی صحیح مسلم عن عائشة رضی الله عنها أنَّ رسول الله ﷺ کان یقول فی رکوعه و سجوده: (سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ).

رسول الله ﷺ در رکوع و سجود می‌فرمود: «پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزه و مقدس است». سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ بضم اول، و بفتح اول سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ هر دو آمده است و بیشتر و مشهورتر به ضم اول است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ).

رسول الله ﷺ فرمود: «اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است. و بهتر است جمع نمودن میان این اذکار. اگر جمع نمی‌نماید هر وقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند. و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ) کافی است. و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نمازش صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته‌اند: تسبیح رکوع واجب است، بنابراین رعایت اقوال علما و ترک نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قرائت قرآن در رکوع و سجود. و بعضی از علمای مذهب ما گفته‌اند: قرائت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعاً أَوْ سَاجِداً).

علی رضی اللہ عنہ فرمود: «رسول اللہ ﷺ مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: (أَلَا وَإِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعاً أَوْ سَاجِداً). رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: «آگاه باشید که منع شده‌ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

(باب مايقوله في رفع رأسه من الركوع وفي إعتداله)

بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال می‌گوید.

سنت این است که موقع بالا آوردن سر از رکوع بگوید: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ)؛ «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: (مَنْ حَمِدَ اللَّهَ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ)؛ «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می‌شنود ستایش او را». هم جایز است، چنانکه امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است. وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می‌گوید: (رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ)؛ «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش».

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» و «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» بدون واو و با واو، هر دو روایت شده است و هر دو خوب است. موقع سر بالا آوردن از رکوع می‌گوید: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) وقتی که راست ایستاد، می‌گوید: (رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مِلءَ السَّمَوَاتِ وَ مِلءَ الْأَرْضِ وَ مِلءَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَ أَلْجَدِ أَحَقُّ مَا قَالَ

الْعَبْدُ وَكُنَّا لَكَ عَبْدٌ، لَامَانِعَ لِمَا أُعْطِيَْتَ وَ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ؛
 «ای پروردگار ما برای توست ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت،
 ستایشی به پری آسمان‌ها و پری زمین‌ها و پری میان آن دو و پری آنچه بخواهی
 بعد از آن‌ها. ای شایسته‌ی سپاس و عظمت. شایسته‌تر از گفتار بندگان، و ما همه
 بنده‌ی تو هستیم، نیست منع کننده‌ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده‌ای از
 آنچه تو منع فرمایی. و بی‌نیازی، توانگر را به جای تو سود نمی‌دهد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبَخَارِيِّ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الرِّزْقِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنَّا يَوْمًا نَصَلِّي وَرَاءَ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ الرُّكْعَةِ قَالَ: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) فَقَالَ رَجُلٌ
 وَرَاءَهُ: رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ: (مَنْ أَلْتَكَلَّمُ؟) قَالَ:
 أَنَا، قَالَ: (رَأَيْتُ بِضْعَةً وَ ثَلَاثِينَ مَلَكًا يَبْتَذِرُونَهَا أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ).

رفاعة رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: روزی پشت سر رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز می‌خواندم وقتی که
 رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سر از رکوع بالا آورد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» مردی که پشت سر
 رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، گفت: (رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ)؛ وقتی که
 رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت؟» آن مرد گفت:
 من گفتم. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می‌کردند به
 سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می‌نویسد».

(فصل) بدان که مستحب است جمع نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد.
 اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا
 لَكَ الْحَمْدُ مِلءَ السَّمَوَاتِ وَ مِلءَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».
 اگر می‌خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ
 الْحَمْدُ». که از این مختصرتر نیست؛ همه‌ی این اذکار برای امام و مأموم و

منفرد مستحب است جز اینکه امام همه‌ی آنها را جمع نمی‌کند، مگر در صورتی که بداند همه‌ی مأمومین به طولانی شدن نماز راضی هستند. و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است همان‌گونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. و الله أعلم.

(باب اذکار السجود)

بابی است در بیان اذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله اکبر می‌گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می‌کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد. و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه‌ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می‌آورد. و اذکار سجود بسیار است. از آن جمله است:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي).

عائشة رضی الله عنها می‌گوید که رسول الله ﷺ در رکوع و سجود نماز بسیار می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي؛ تنزیه تو می‌گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرزمرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله ﷺ در رکوع و سجودش می‌فرمود: (سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ). رواه مسلم

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا سَجَدَ قَالَ: (اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ). رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که به سجود می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت‌بندی‌اش فرمود و شکافت شنوایی‌اش و بینایی‌اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است».

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رکوع طولانی خود می‌فرمود: (سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ). و در کتاب‌های سنن آورده‌اند که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موقعی که سجود می‌کرد می‌فرمود: (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى) سه بار. و در روایت ابن حبان: (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ) سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جست‌وجوی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می‌فرماید: (اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ)؛ «خدایا پناه می‌برم به خشنودیات از خشم و به عافیت از عقوبت و پناه می‌برم به تو از عذاب تو، نمی‌توانم ثنای تو را بشمارم، تو آن‌چنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی».

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباس رضی الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ)؛ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اما رکوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید. و اما سجود کوشش کنید در دعا کردن که شایسته است که دعایتان در سجود مستجاب شود».

بنابراین در سجود بسیار دعا کنید.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار، موقعی است که در سجود است، بنابراین در سجود بسیار دعا کنید).

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَنَّ أَبِي هُرَيْرَةَ أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةٍ: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً وَجِلَّةً وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سجودش می‌فرمود: «خدایا بیامرز گناهانم همه‌اش، اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن». کسی که می‌تواند همه‌ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی‌تواند آن‌ها را در اوقات متعدد بخواند. و الله أعلم.

(فصل) علما اختلاف دارند که طول دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول دادن به قیام بهتر است، برای اینکه در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (أَفْضَلُ الصَّلَاةِ طَوْلُ الْقُنُوتِ)؛ یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می‌شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است و بعضی از علما گفته‌اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای اینکه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ)؛ «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار، موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای اینکه نمازهایی که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب می‌خواند، روایات دال بر

طولانی بودن قیام آن آمده است و نمازهایی که در روز خوانده‌اند ذکر از طولانی بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: (اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لِيْ عِنْدَكَ ذُخْرًا وَّ اَعْظِمْ لِيْ بِهَا اُجْرًا وَّ ضَعْ عَنِّيْ بِهَا وِزْرًا وَّ تَقَبَّلْهَا مِنِّيْ كَمَا قَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بنده‌ات داود پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوییم: ﴿سُبْحَانَ رَبَّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ﴾؛ «منزه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است».

وَرَوَيْنَا فِي السَّنَنِ ابْنِ دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيَّ وَ النَّسَائِيَّ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الْقُرْآنِ: (سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ صَحِيحٌ زَادَ الْحَاكِمُ: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ). قَالَ هَذِهِ الزِّيَادَةُ صَحِيحَةٌ عَلَى شَرَطِ الشَّيْخَيْنِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ: (اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لِيْ عِنْدَكَ ذُخْرًا إِلَى آخِرِهِ) فَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مَرْفُوعًا مِنْ رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ. وَ قَالَ الْحَاكِمُ حَدِيثٌ صَحِيحٌ.

(باب ما يقول في رفع رأسه من السجود و في الجلوس بين السجدين)

بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید.

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و تکبیر را بکشد تا اینکه راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: (رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي) چنانکه در حدیث حذیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: و کان يقول بين السجدين: (رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي) و در روایت بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما: و کان إذا رفع رأسه من السجدة قال: (رَبِّ اغْفِرْ لِي و أَرْحَمْنِي و أَجْبِرْنِي و أَرْفَعْنِي و أَرْزُقْنِي و أَهْدِنِي) و فی رواية أبي داود (و عَافِنِي) و اسناده حسن. و الله أعلم.

(فصل) وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم.

وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلند شدن یک نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم و در این هنگام الله اکبر گفتن را بکشد تا اینکه راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست ایستادن کفایت می‌کند. و جلسة الاستراحة (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی استراحت نیست.

(باب أذکار الركعة الثانية)

بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی، مانند رکعت اولی است در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز اینکه در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیرة الاحرام است که فرض می‌باشد. و در رکعت دومی تکبیرة القیام است که از رکعت اولی بر می‌خیزد و به رکعت دومی می‌آید. و این تکبیر سنت است. دوم اینکه در رکعت اولی بعد از تکبیرة الاحرام دعای استفتاح می‌خواند و در رکعت دوم دعای استفتاح نیست. سوم اینکه در رکعت اولی أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن اختلاف نظر است، ولیکن بنابر قول معتمد گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم در رکعت دومی نیز است. چهارم اینکه قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی‌تر از سوره در رکعت دومی است.

(باب القنوت فی الصبح)

بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. روی الحاکم ابو عبد الله فی کتاب الأربعین عن أنس رضی الله عنه (أن رسول الله صلی الله علیه و آله لم یزل یقنُتُ فی الصبح حتی فارق الدنیا). قال الحاکم حدیث صحیح. انس رضی الله عنه که خدمتکار رسول الله صلی الله علیه و آله بود روایت می‌کند که همیشه رسول الله صلی الله علیه و آله

در نماز صبح قنوت می‌خواند تا از دنیا رحلت فرمود. حاکم می‌گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می‌گوید: حدیث صحیح است. و علمای مذهب شافعی که نود درصد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده‌اند. اکنون در زمان ما بعضی از روی بی‌دانشی آن را قبول نمی‌کنند.

حاصل اینکه در مذهب شافعی، قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه‌ی ایام سال است. و در نیمه‌ی دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است. باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت، قنوت را در نماز صبح در همه‌ی ایام سال دانسته‌اند: امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می‌داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه‌ی ایام سال در نماز وتر دانسته‌اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می‌شود. و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می‌شود. قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّيْنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ. تا این جا دعاست و باقی ثناء است و عبارت است از:

فَإِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَ إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَ لَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ)، و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَ أَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ، وَ نُؤْمِنُ بِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ).

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: (اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغِيثُكَ وَ نَسْتَهْدِيكَ وَ نَسْتَغْفِرُكَ وَ نُؤْمِنُ بِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ. وَ نُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، نَشْكُرُكَ وَ لَا نَكْفُرُكَ وَ نَحْلَعُ وَ نَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ. اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ لَكَ نُصَلِّي وَ نَسْجُدُ وَ إِلَيْكَ

نَسْعَى وَنَحْفِدُ، نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنُحْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ. وَصَلَّى اللَّهُ
وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ).

تفسیر قنوت شافعی و حنابلہ: اللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ: خدایا مرا به مطلب
برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی. مطلب مؤمن رضای خدا و
پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره. و عافینی فِیْمَنْ
عَافَيْتَ: و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات عطا فرما در جمله کسانی که
ایشان را عافیت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک.
از دست دادن عزیزان، شتمات دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره.
وَ تَوَلَّيْنِي فِیْمَنْ تَوَلَّيْتَ: و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان
را به خودت واگذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند
وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر
دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراهشان باشد. وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطِيتَ: و برکت
قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظ
ماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه گرفتن از آن
برای آخرت و استفاده از آن برای به دست آوردن رضای خداوند. وَ قِنِي شَرَّ مَا قُضِيَتْ:
و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت بر آن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم
به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که
انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبش شد و
عاقبت به خیر همراهش بود و از تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و
پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت
آنچه خدا به او عطا فرموده است. برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت

در فرزند، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر نگره داشت، چه سعادت‌ی است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را با هم یافته است. این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

فَإِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ: به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید. هستی‌ها هر چه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند. فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ: به حقیقت خواری نخواهد دید کسی که تو او را به دوستی گرفتی. کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!

و لَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ: و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی. کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!

تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ: پرشد برکت هایت ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی. اگر دیده‌ای حقیقت بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا بیند. خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مَنِّم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هر که شکرت نکند نقش بود بر دیوار
فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا قَضَيْتَ: بنابراین ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی. قضایت همه به خیر بندگان است.

و لَكَ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَ أَوْلَيْتَ: و شکرها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی.

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ: برای ما بندگان و قصور در شکر بر نعمت‌های راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاهت آوردن.

و نُؤْمِنُ بِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ: ایمان می آوریم به تو که بدی می کنیم و خوبی می بینیم و ناشکری می کنیم و احسان می بینیم، ما توکل بر تو می کنیم که همه انعام تو را می بینیم.

و صَلَّى اللَّهُ وَ سَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ التَّابِعِينَ: خدایا درود بی شمار و سلام شایسته ی بنده ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و و صحب اخیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ: خدایا ما همیشه از تو کمک می خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم. اگر کمک تو شامل حال مان شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده ی آن برآییم؟

و نَسْتَهْدِيكَ: و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم. اگر هدایت تو باشد به راه راست می رسیم و از استقامت بر آن بهره مند می گردیم و از انحراف از آن نگه داشته می شویم. ما همه بندگانیم و بنده ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچ گاه نه راه راست می یابد و نه به مطلب می رسد.

و نَسْتَغْفِرُكَ: و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه قصور است و تقصیر، و این آمرزش توست که تقصیرات ما را می پوشاند و اگر آمرزش حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق گناهان نه روی خواهش برایمان می ماند و نه زبان اعتذار.

و نَتُوبُ إِلَيْكَ: و توبه می نماییم از همه ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می نهیم که تو اب رحیم تویی، توفیق توبه می دهی و قبول توبه می فرمایی.

و تُوْمِنُ بِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَیْكَ: و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می‌کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از رو آوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

و نُثْنِیْ عَلَیْكَ الْخَیْرَ كُلَّهُ: ثنای تو می‌خوانیم و خیر و خوشی‌ها را همه از تو می‌دانیم.

نَشْكُرُكَ وَ لَا نَكْفُرُكَ: ما همه سپاس تو می‌گوییم که غرقه در انعام تو هستیم و هیچ‌گاه کفران نعمت‌هایت را ننماییم که وظیفه‌ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است همان‌گونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه‌ی نعمت‌های خداست.

وَ نَحْلَعُ وَ نَتْرُكُ مَنْ یَفْجُرُكَ: و ما خلع ید می‌نماییم و کنار می‌گذاریم هر کسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ: خدایا تو را بندگی می‌کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید. اگر خدا بنده‌ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می‌پذیرد. گناهانش را می‌آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می‌سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می‌نهد.

وَ لَكَ نُصَلِّیْ وَ نَسْجُدُ: و برای تو نماز می‌خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمتت بر خاک می‌مالیم. کجا ممکن است بنده‌ای بداند که بنده‌ی خداست، زندگیش و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سر اندر پا و بینوای در هر جا و فانی سرا پا زوال و بی پناه.

وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْقِدُ: و ما همه به سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هر کسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه می‌شتابیم برای اینکه عمر زود گذر است و تا قبل از اینکه عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

نَرْجُو رَحْمَتَكَ: ما همه امیدوار رحمت هستیم. همین امید رحمت می‌باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است. اگر امید رحمت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است. از جهتی امید رحمت و از جهت دیگر بیم عذابت ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

و نَحْشَى عَذَابَكَ: تا همیشه از ترس عذابت هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ: حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است. از کفر در عذابند و نمی‌دانند. از راندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی‌دانند. و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی‌دانند. نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند. ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است. و زشتکاری کفر، دل و دیده‌شان را کور کرده و بدبخت کرده است. فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ عَلَى الْهُدَى بِحَقِّ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. اگر ادامه‌ی قنوت عمر ﷺ را بر آن بیفزاید هم خوب است: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيُقَاتِلُونَ أَوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَ

أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ أَجْعَلَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ الْحِكْمَةَ وَ ثَبَّتَهُمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَوْزَعَهُمْ أَنْ يُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ أَنْصُرَهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوَّهُمْ إِلَهَ الْحَقِّ وَ أَجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

(فصل) بالا بردن دو دست در دعا مستحب است. و در قولی بعد از فراغ از دعا دست به روی کشیدن مستحب است. و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست کشیدن بر غیر روی مکروه است. و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنِي...

و اگر امام باشد به صیغهی جمع بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنَا... و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند. و مأموم تابع امام می شود. اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ﷺ بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلند خواندن قنوت در همه ی نمازها را می رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه ی ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ...﴾ از ابو هریره روایت شده که پیامبر ﷺ در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می خواند تا اینکه خداوند آن آیه را نازل فرمود: «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست؛...»

(باب التشهد فی الصلاة)

بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دو رکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت. اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد و گاه است که نسبت به ماموم چهار تشهد صورت می‌یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد؛ تشهد اول امام برای او حساب نمی‌شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی‌شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد. بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می‌نشینند که سرانجام می‌شود چهار تشهد. اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار بر آن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند. او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای تشهد اول بنشینند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشینند. گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده‌اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می‌تواند بعد از هر دو رکعت به تشهد بنشینند، اما بعد از هر یک رکعت جایز نیست به تشهد بنشینند. و الله أعلم

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است و نزد امام ابوحنیفه و امام مالک سنت است. و تشهد اول نزد امام شافعی و امام مالک و امام ابوحنیفه رضی الله عنه سنت است و نزد امام احمد رضی الله عنه واجب است. اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می‌نماید. والله أعلم

(فصل) و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است. نخست تشهد به روایت ابن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». رواه البخاری و مسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». رواه مسلم في صحيحه. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است. برای اینکه ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». رواه مسلم في صحيحه.

و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سُرَیج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلَامٌ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» کفایت می‌کند و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای اینکه اختلاف در وجوب همه‌ی کلمات تشهد است و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند. و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و واجب نیست؛ بنابراین اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند، مانعی ندارد. و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته‌اند. و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابوداود و ترمذی و بیهقی از

ابن مسعود رضی اللہ عنہ آمده است: من السنّة أن یخفی التشهد السنّة. رواه الترمذی و قال حدیث حسن. و قال الحاکم صحیح. و گفتن صحابه: من السنّة، در حکم قال رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می باشد.

(باب الصلاة على النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بعد التشهد)

بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بعد از تشهد اخیر

بدان که صلوات فرستادن بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی رحمۃ اللہ علیہ واجب است و اگر صلوات بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست. و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است. و همان گونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نیز در تشهد اول سنت است.

و جای تعجب این جاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته اند در صورتی که تمام صیغه های وارد در همه ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم همراه با صلوات بر آل است. شاید از آن روی باشد که در آیه ی:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. یاد از آل نشده است و در صلوات فرستادن بر رسول اللّٰه صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نیز اگر بگوید: صَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ، هر کدام که بگوید کفایت می کند. و در مذهب وجهی هست که باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَغَيْرِ أَنْ كَفَايَتٌ لَا تَمْنَعُ. و بهتر آن است که در صلوات بر رسول اللّٰه بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
 كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ).

این حدیث در بخاری و مُسلم از کعب بن عجرة و قسمتی از آن از غیر کعب بن
 عجرة رضی الله عنه روایت شده است. و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است. اما بعد از
 تشهد اول دعا مستحب نیست و علمای شافعی فرموده‌اند: دعا بعد از تشهد اول
 مکروه است، برای اینکه بنای تشهد اول بر تخفیف است. و الله أعلم.

(باب الدعاء بعد التشهد الأخير)

بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه. أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله
 عَلَّمَهُمُ التَّشَهُّدَ ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِهِ: (ثُمَّ يُخَيَّرُ مِنَ الدُّعَاءِ). وَ فِي رِوَايَةِ الْبُخَارِيِّ: (أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ
 فَيَدْعُو) وَ فِي رِوَايَةِ مُسْلِمٍ: (ثُمَّ لِيَتَخَيَّرَ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ).

رسول الله صلی الله علیه و آله تشهد را به صحابه آموخت. و در آخر حدیث آمده که نمازگزار بعد
 از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می‌نماید، هر دعایی
 که دوست دارد و می‌تواند از خودش دعاهایی بخواند ولیکن دعاهاى وارد از
 رسول الله صلی الله علیه و آله بهتر است. و در همین جا بعد از تشهد دعاهاى بسیاری وارد شده از
 آن جمله است:

ما رویناه فی صحیحی البخاری عن أبي هريرة رضي الله عنه قال، قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: (إذا فرغ أحدكم من التشهد الأخير فليتعوذ بالله من أربع: من عذاب جهنم ومن عذاب القبر ومن فتنة المحيا والممات ومن شر المسيح الدجال).

«وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در آخر نماز دعا می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ. خدایا پناه می‌برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّشْهَدِ وَالتَّسْلِيمِ: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ).

علی رضي الله عنه فرمود که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم وقتی که به نماز می‌ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می‌فرمود: «خدایا بیامرز مرا آنچه آن را به جلو انداختم و آنچه آن را به دنبال انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو داناتری به آن از من. تو هستی که به جلو می‌اندازی و تو هستی که به دنبال می‌اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ: هر گناهی که آن را مقدم داشتم و هر گناهی که آن را

به دنبال انداختن، رسول الله ﷺ این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است. و مقصود رسول الله ﷺ تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلو انداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گنااهش باقی است، زیرا به آن عمل می‌شود. و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. أَنْتَ الْمُقَدَّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ: ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بيفتد و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است. عطا همه از خداست. دانا به مصالح خلق فقط خداست. آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است. پاک و منزّه خدایی که منع و عطایش هر دو به حکمت است و هر دو به مصلحت خلق است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: عَلَّمَنِي دَعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: (قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَأَغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدَكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ).

ابوبکر صدیق رضي الله عنه عرض کرد که یا رسول الله، دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا نمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار. و نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. پس بیامرز گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمتت قرار بده. حقا که

تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: ظُلُمًا كَثِيرًا و روایت شده: ظُلُمًا كَبِيرًا
 نووی فرمود هر دو با هم چنین بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلُمًا كَثِيرًا كَبِيرًا)؛
 «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ». و از جمله دعا‌های مستحب
 در همه جا این دعاست: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ
 التُّقَى وَالْعِفَافَ وَالْغِنَى)؛ «خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری
 و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملایمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه
 راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ﷺ این دعا
 بود: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)؛ «خدایا به ما بده در
 دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ». والله أعلم.

(باب السلام للتحلل من الصلاة)

بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی
 از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود. و فرض بودن سلام نماز در سه
 مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد
 و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که
 اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.
 و رو به دست چپ بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

و در سنن ابی داود آمده: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ و بَرَكَاتُهُ. و امام الحرمین
 و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده‌اند. امام نووی فرمود که کلمه‌ی «و بَرَكَاتُهُ»
 خلاف مشهور از سلام دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست.

اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست واللّٰه اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند.

این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند.

و واجب در سلام: گفتن السَّلَامُ عَلَیْکُمْ می‌باشد و اگر بگوید: عَلَیْکُمُ السَّلَامُ نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: السَّلَامُ عَلَیْکَ یا سَلَامِی عَلَیْکَ یا سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ یا سَلَامِی عَلَیْکُمْ، هیچ‌کدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود. و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. واللّٰه اعلم.

(باب ما یقولہ الرجل إذا کَلَّمَہُ إنسانٌ و هو فی الصلّٰة)

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن گوید.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ). وَ فِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ: (إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ فَلْيُسَبِّحِ الرِّجَالَ وَ لْيُصَفِّقِ النِّسَاءَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ

بزنند». سبحان الله گفتن برای مردان است و کف دست راست بر پشت دست چپ زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می‌گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می‌زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده و گربه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می‌زند تا کسی بیاید و نگذارد گربه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نماز خواندن بود و او صدا زد که نامه بیار. می‌گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

(باب الأذکار بعد الصلاة)

بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود.

اجماع علما بر آن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ﷺ وارد شده و باید خوانده شود و در این خصوص حدیث‌های صحیح و بسیار آمده است که درباره‌ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است. در این جا ما قسمتی از آن‌ها را می‌آوریم. از مهم‌ترین آن‌ها:

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ رضي الله عنه قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: (جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرِ وَ دُبُرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. به رسول الله ﷺ گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: (كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِضَاءَ الصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِالتَّكْبِيرِ).

ابن عباس فرمود: «من می دانستم که رسول الله ﷺ از نماز فرض فارغ شده به بلند شدن آواز جماعت به الله اکبر گفتن». و در روایت مسلم: (کنا نعرف).

وَفِي رَوَايَةٍ فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: (أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ).

ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود: «بلند کردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می شدند در عهد رسول الله ﷺ بود.

و قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: (كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا أَنْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتَهُ)؛ «من می دانستم فارغ شدن از نماز به بلند شدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می گوید: در عهد رسول الله ﷺ همین که از نماز فرض فارغ می شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می شد. لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وحده لا شریک له را به آواز بلند می گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می گفتند. اما امروز عده ای بلند کردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می دانند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) قِيلَ لِلأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رَوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الْإِسْتِغْفَارُ؟ قَالَ تَقُولُ: (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ).

ثوبان می گوید: عادت رسول الله ﷺ بود که سلام نماز که می گفت سه بار اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ می گفت و می فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و

همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکت ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفرالله استغفرالله. وقتی که می‌گوید رسول الله ﷺ بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ).

رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام نماز می‌گفت. می‌فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد. برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست. خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی، نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد. و اگر تو عطا نفرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی‌دهد توانگر را به جای تو توانگری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ حِينَ يُسَلِّمُ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَالْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ). قَالَ ابْنُ الزَّبِيرِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُهَيِّئُ بِهِنَّ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ.

عبداللہ بن زبیر گفته است کہ پیامبر ﷺ وقتی کہ سلام نماز می گفت بعد از ہر نماز فرض می گفت: «نیست معبودی بہ حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتا کہ شریکی ندارد. برای او است دارندگی ہمہی مخلوقات و پادشاهی بر آن ہا. و برای اوست حمد و ستایش ہا و او بر ہمہ چیز تواناست. نہ چارہای ہست برای دوری از گناہ و نہ توانی ہست برای پایداری بر طاعت، مگر بہ کمک خدا. نیست معبودی بہ حق مگر اللہ. و ما بندگی نمی کنیم مگر او را. برای اوست نعمت ہا و برای اوست فضل و برتری و برای اوست مدح و ثنای خوب. نیست معبودی بہ حق مگر خدای یکتا. ما عبادت خالص را برای او انجام می دہیم. و اگر چہ کافران آن را دوست ندارند». و ابن الزبیر گفت: کہ رسول اللہ ﷺ ہمین کلمات را بعد از ہر نماز فرض می فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ فَقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالذَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَ يُصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَ لَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ يَحْجُونَ بِهَا وَيَعْتَمِرُونَ وَ يُجَاهِدُونَ وَ يَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ: (أَلَا أَعَلَّكُمْ شَيْئًا تُذَرِّكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَ تَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ لَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟) قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (تُسَبِّحُونَ وَ تُحَمِّدُونَ وَ تُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ). قَالَ أَبُو صَالِحٍ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ لَمَّا سُئِلَ عَنْ كَيْفِيَّةِ ذِكْرِهِ؟ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُمْ ثَلَاثُ وَ ثَلَاثُونَ. الدُّثُورُ جَمْعُ دَثْرٍ وَ هُوَ الْمَالُ الْكَثِيرُ.

فقراى مهاجرين به خدمت رسول اللہ ﷺ آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجہ ہای بلند مرتبہ و خوشی جاویدان بہشت برای خود بردند. ایشان نماز می خوانند چنانکہ ما نماز می خوانیم و روزہ می گیرند چنانکہ ما روزہ می گیریم و

زیادتی مال دارند و به وسیله‌ی آن حج و عمره می‌کنند و جهاد می‌کنند و صدقه می‌دهند در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ﷺ فرمود: «آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله‌ی آن به هر کسی که از شما جلو افتاده است برسید و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی برتر از شما نشود مگر هر کسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید. ابوصالح رازی گفت که ابوهریره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد. و دنباله‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقرای مهاجرین به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: توانگران مهاجرین همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هر که خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواستند هیچ طاعتی از دستشان برود یا دیگری بر آنان سبقت جوید.

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ حَمْدَ اللَّهِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ كَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ قَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير. گناهانش آمرزیده می‌شود اگر چه مثل کف دریا باشد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي أَوَائِلِ كِتَابِ الْجِهَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَعَوَّذُ دُبْرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ).
 رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از نماز فرض به این کلمه‌ها پناه می‌برد به خدا: «خدایا به تو پناه می‌برم از ترسویی و به تو پناه می‌برم از اینکه به ارذل العمر برسم و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی دنیا و پناه می‌برم به تو از عذاب قبر».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ الْتِرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (خَصَلَتَانِ أَوْ خَلَّتَانِ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا يَسِيرٌ وَ مَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ: يُسَبِّحُ اللَّهَ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ عَشْرًا وَ يُحَمِّدُ عَشْرًا وَ يُكَبِّرُ عَشْرًا، فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ وَ خَمْسِمِائَةٌ بِالْمِيزَانِ وَ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَ يُحَمِّدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ يُسَبِّحُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ بِالْمِيزَانِ). قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَ مَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: (يَأْتِي اللَّهَ أَحَدَكُمْ - يَعْنِي الشَّيْطَانُ - فِي مَنَامِهِ فَيُنَوِّمُهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَ يَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَذْكُرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا)؛ اسناده صحیح إلا أن فيه عطاء بن السائب و فيه اختلاف بسبب اختلاطه و قد أشار أيوب السنختياني إلى صحّة حديثه هذا.

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «دو خصلت یا دو خلّت هستند که هر بنده‌ی مؤمنی بر آن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می‌شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند، اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می‌گوید: سبحان الله و ده بار می‌گوید: الحمد لله و ده بار می‌گوید: الله اکبر و این می‌شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می‌گوید و سی و سه بار الحمد لله می‌گوید و سی و سه بار سبحان الله می‌گوید و این

می‌شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می‌گوید: من دیدم که رسول الله ﷺ به دست خود آنها را حساب می‌فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله، چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می‌کنند اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می‌آید نزد و او را به خواب می‌اندازد قبل از اینکه آنها را بگوید و شیطان در نمازش کاری به یاد او می‌آورد قبل از اینکه آنها را بگوید».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمَعُودَاتِ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ).

رسول الله ﷺ به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره‌های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند.

وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: (يَا مُعَاذُ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فَقَالَ أَوْصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدْعَنَّ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ).

رسول الله ﷺ دست معاذ را گرفت و فرمود: «ای معاذ، قسم به خدا که من تو را دوست می‌دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می‌دهم به اینکه بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردنت و سپاسگزاریت و خوب انجام دادن عبادت».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَضَى صَلَاتَهُ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ الِيمْنَى ثُمَّ قَالَ: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنَّا الْهَمَّ وَالْحَزْنَ).

رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز می‌گفت می‌فرمود: «گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده‌ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، لَا أَدْرِي قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ أَوْ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ، يَقُولُ: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد، نمی‌دانم قبل از اینکه سلام نماز می‌گفت یا بعد از سلام، می‌فرمود: «منزه است پروردگارت، پروردگار عزّت، از آنچه کافران در وصف او می‌گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش‌ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ: (اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَاجْعَلْ خَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ الْقَاكَ).

رسول الله ﷺ موقعی که از نماز فارغ می‌شد می‌فرمود: «خدایا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می‌رسم».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ عَبْدِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد و پس از آن دعایی که می‌خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می‌آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می‌کند و گفتن **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ** تا آخر دعا را پایان می‌دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آن‌ها دعا می‌نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات اجابت و استغفار رعایت می‌نماید. **وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَعْلَمُ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.**

(باب الحثّ علی ذکر الله تعالی بعد صلاة الصبح)

بابی است درباره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکر است که بعد از نماز صبح می‌گویند.

فی کتاب الترمذی و غیره عن أنس رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ). قال الترمذی حدیث حسن.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل ادا کرده باشد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَهُوَ ثَانٍ رَجُلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ مَرَّاتٍ، كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُحْيَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَ كَانَ يَوْمُهُ ذَلِكَ فِي حِرْزٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ حُرِسَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَمْ يَنْبَغِ لِدَنْبٍ أَنْ يُذْرَكَهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ تَعَالَى). قال الترمذی هذا حدیث حسن و فی بعض النسخ: صحیح.

رسول الله ﷺ فرمود: «هر کسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده (یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده) قبل از اینکه سخن بگوید. ده بار لا اله الا الله وحده لا شریک له را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست. برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او ده درجه. و او در آن روز از هر مکروهی در پناه حق تعالی است و نگه‌داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ أَسْرَّ إِلَيْهِ فَقَالَ: (إِذَا أَنْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مَتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَارٌ مِنْهَا، وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مَتَّ مِنْ يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَارٌ مِنْهَا).

رسول الله ﷺ آهسته به مسلم بن الحارث التميمی الصحابی فرمود: «وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگوی: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ که اگر این را گفتی و آن شب مردی این دعایت باعث این

است که خدا تو را پناه دهد از آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو:
اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است.

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَسُنَنِ ابْنِ مَاجَه وَكِتَابِ ابْنِ السَّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَرِزْقًا طَيِّبًا).

رسول الله ﷺ بعد از اینکه از نماز صبح فارغ می شد می فرمود: «خدایا از تو می خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ صَهْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَحْرِّكُ شَفْتَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بِشَيْءٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ قَالَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أَحَاوِلُ وَبِكَ أَصَاوِلُ وَبِكَ أَقَاتِلُ). صَهْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِيْ گويد: رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح لب های خود را تکان می داد گفتم: یا رسول الله اینکه می خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیله ی تو چاره اندیشی می کنم و به وسیله ی تو حمله ور می شوم و به وسیله ی تو می جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می گیرم.

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيِّ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ قَالَ: قَالَ عُلُقَمَةُ بْنُ قَيْسٍ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْأَرْضَ تَعُجُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ نَوْمَةِ الْعَالَمِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

و ابو محمد بغوی در کتاب شرح السنّة آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می آید و فریاد رسی می خواهد.

باب ما یقال عند الصبح و عند المساء

بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می‌شوند.

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع‌تر از آن نیست. و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله‌هایی مختصر از آن می‌آورم. کسی که توفیق بیابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آن‌ها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾؛ «و تسبیح پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب» بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾؛ «و تسبیح ذات پاک پروردگارت همراه حمد و ستایش او به جا آور بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب». و فرموده‌ی پروردگار سبحانه و تعالی است:

﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾؛ «و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها»؛ یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش بپردازی و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد. و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾؛ «در خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچ کدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد». و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾؛ ما کوه‌ها را به فرمان آوردیم تا همراه داود به تسبیح خدا بپردازند، شامگاهان و بامدادان.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أُبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأُبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ»). إِذَا قَالَ ذَلِكَ حِينَ يُمَسِّي فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ). معنی اُبُوء: اَقْرُ وَاَعْتَرَفُ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الاستغفار این است: خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوید تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌هایت بر من و اعتراف می‌کنم به گناهانم. پس پیامرز برایم برای اینکه نمی‌تواند پیامرز گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هر گاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل به بهشت می‌شود. یا او از اهل بهشت است. و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل به بهشت می‌شود».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، مِائَةَ مَرَّةٍ فَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ) وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ). «کسی که بامدادان و شامگاهان صدبار بگوید: سبحان الله و بحمده یا صد بار بگوید: سبحان العظیم و بحمده. روز قیامت کسی نمی آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد». سبحان الله و بحمده: تنزیه خدا می گویم و به حمد و ستایش او مشغولم. و سبحان الله العظیم و بحمده: تنزیه خدای بزرگ می گویم و به حمد و ستایش او مشغولم. چقدر انسان دچار غفلت می شود که کلمه ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می دهد و وقت خود را به غفلت و بی خبری ضایع می گرداند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَبِيبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ خَرَجْنَا فِي لَيْلَةٍ مَطَرٍ وَظُلُمَةٌ شَدِيدَةٌ نَطْلُبُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَدْرَكْنَاهُ فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُمَسِي وَ حِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

عبدالله بن خبيب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدیم به خاطر یافتن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم. بار سوم که گفت: بگو. گفتم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: «بگو قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس. در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می کند تو را از هر چیز. یعنی برای حفظ و نگهداری ات همین سه سوره که هر کدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می کند».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ) وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که بامداد می شد می فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما». و موقعی که شام می شد می فرمود: «خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می داند که هر چه هست از خداست. بامداد می شود، از اینکه به بامداد رسیده خوشوقت است و شب می شود و از اینکه به شب رسیده و آسوده می شود خوشوقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می نماید و می داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده شدن از تکالیف زندگی است. این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می داند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ وَأَسْحَرَ يَقُولُ: (سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلِ عَلَيْنَا عَائِداً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می شد می فرمود: «بشنود هر کسی که می شنود و مشاهده کند هر کسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت ها و احسان های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ما را پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم إِذَا أَمْسَى قَالَ: (أَمْسَيْنَا وَ أَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهَا. رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ وَ سُوءِ الْكِبَرِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَ عَذَابٍ فِي الْقَبْرِ) وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضاً: أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ...

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که شب می شد می فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه ی کاینات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند. و حمد و ستایش ها برای خداست. نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد. برای خداست همه ی کاینات و برای اوست ستایش همه و او بر همه چیز تواناست. پروردگارا، از تو می خواهم خیر و خوشی امشب. هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هر دو را از تو می خواهم. و پناه می برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم، پناه می برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از اینکه در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پیشامدهای بد شود). پناه می برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید». و وقتی که صبح می شد به جای بِكَ أَمْسَيْنَا می فرمود: أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ تا آخر.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَغْتَنِي الْبَارِحَةَ؟ قَالَ: (أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرْكَ). ذكره مُسْلِمٌ مُتَصِلًا بِحَدِيثِ لَحْوَلَةِ بِنْتِ حَكِيمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا هَكَذَا. وَ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ وَ قَالَ فِيهِ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثَلَاثًا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ).

مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التّامّات (آیه‌های قرآن) از شرّ آنچه خدا آن را آفرید، زیانی به تو نمی‌رسید». مُسَلِّم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنّی آن را این چنین روایت کرد که رسول الله ﷺ به او فرمود: «اگر سه بار گفته بودی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أُمَسَيْتُ. قَالَ: (قُلْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهِ، قَالَ: قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أُمَسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو، ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین، ای دانا به نهان و آشکار، پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آنکه نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شرّ شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلونهادی». کلمه‌ی شَرِّكَهِ: به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شَرِّكَهِ: به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَثَانَ بْنِ عَفَّانٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:
(مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحٍ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءٍ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِأَسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّمَعَ اسْمُهُ شَيْءٌ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ
هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ هَذَا لَفْظُ التِّرْمِذِيِّ. وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٍ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام
الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند. و این را
سه بار بگوید هیچ چیز زیان به او نمی‌رساند. این لفظ ترمذی است و در روایت ابی
داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ رضي الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (مَنْ قَالَ حِينَ
يُمْسِي: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ)
فِي إِسْنَادِهِ سَعْدُ بْنُ الْمَرْزَبَانِ وَهُوَ ضَعِيفٌ بِاتِّفَاقِ الْحَفَازِ. وَقَدْ قَالَ التِّرْمِذِيُّ هَذَا حَدِيثٌ
حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در
پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر، حق است بر
خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است
مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث
نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وَقَدْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ بِأَسَانِيدٍ جَيِّدَةٍ عَنْ رَجُلٍ خَدَمَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله
بَلْفَظِهِ، فَثَبَتَ أَصْلَ الْحَدِيثِ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ. وَقَدْ رَوَاهُ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فِي الْمُسْتَدْرَكِ عَلَى
الصَّحِيحِينَ وَقَالَ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَقَدْ وَقَعَ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ وَغَيْرِهِ: (وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا). وَ

فی روایة الترمذی: (بمحمّد نبیاً). فیستحبُّ أن یجمع الإنسان بینهما فیقول: (رَضِیتُ بِاللّهِ رَبّاً وَّ بِالْإِسْلَامِ دیناً وَّ بِمُحَمَّدٍ نَبیّاً وَّ رَسُولاً).

حدیث: رَضِیتُ بِاللّهِ رَبّاً وَّ بِالْإِسْلَامِ دیناً وَّ بِمُحَمَّدٍ نَبیّاً وَّ رَسُولاً: از مجموع این روایات صحت آن به ثبوت رسیده و به همین لفظ بگوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ - لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمَسِّي: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ، فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقع بامداد یا شامگاه بگوید: خدایا من در این بامداد تو را گواه می‌گیرم و بر دارندگان عرشت را گواه می‌گیرم و فرشتگانت را گواه می‌گیرم و همه‌ی مخلوقات را گواه می‌گیرم که تو خدای یکتا هستی هیچ شریکی برای تو نیست و یقین دارم که محمد بنده‌ی تو و فرستاده‌ی توست. کسی که این را یک بار بگوید ربع او از آتش دوزخ آزاد می‌شود. و کسی که دوبار آن را بگوید نیمی از بدنش از آتش دوزخ آزاد شود و کسی که سه بار آن را بگوید سه ربع او از آتش دوزخ آزاد شود و کسی که چهار بار آن را بگوید همه‌ی بدنش از آتش دوزخ آزاد شود».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَنَامٍ الْبِضَاطِيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَخُذْكَ لِاشْرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ. فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ، وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمَسِّي فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقعی که بامداد می شود بگوید: خدایا هر نعمتی که در این بامداد دارم از فضل توست به تنهایی ات، هیچ شریکی برای تو نیست، برای توست ستایش ها و سپاس ها. یعنی آنچه دارم از فضل و کرم می باشد که آن همه نعمت به من ارزانی داشته ای. کسی که این را بگوید شکر آن روزش را به جای آورده است. و کسی که مثل آن را بگوید وقتی که به شب می رسد او نیز شکر شبش را به جا آورده است. یعنی در شب می گوید:

(اللَّهُمَّ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ).

و ما روينا بالأسانيد الصحيحة في سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَ ابْنِ مَاجَهَ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ يَدْعُ هَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ حِينَ يَمْسِي وَ حِينَ يَصْبَحُ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ أَهْلِي وَ مَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي وَ آمِنْ رَوْعَاتِي اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْيَ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ أَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي). قَالَ وَكِيعٌ: يَعْنِي الْخَسْفَ. قَالَ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادَ.

ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا می گوید: رسول الله ﷺ هیچ گاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی نمود و می فرمود: خدایا از تو می خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملايمات در دنیا و آخرت. خدایا از تو می خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیایم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بیوشان عورت هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس هایم. خدایا مرا نگه دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از اینکه از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم. (عورت: محلی از بدن که پیدا شدنش ناراحت کننده است) و روعات: جمع روعة به معنی

ترس است. انسان ترس بسیار دارد از خشم خدا. از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله ﷺ درسی است برای امتش.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَغَيْرِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ، اللَّهُمَّ لَا يَهْزِمُ جُنْدُكَ وَلَا يَخْلِفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ).

رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «خدایا پناه می برم به ذات بزرگواری و به کلمات و آیات قرآن از شر هر چیز که پیشانیش در دست توست، یعنی پناه می برم به تو از شر آنچه در قبضه ی قدرت توست که همه ی کاینات باشد، یعنی من از شر همه ی مخلوقات به تو پناه می برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری نجات می دهی، خدایا لشکریانت شکست ناپذیرند و وعده ی تو خلاف ناپذیر است و ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی رساند. تنزیه می گویم و به ستایش مشغولم».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَةَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي عِيَّاشٍ (بِالشَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، كَانَ لَهُ عِدْلُ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُطَّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمِيسَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه ی کاینات و برای اوست ستایش ها و او بر همه چیز تواناست. برای اوست برابر گردنی از

فرزندان اسماعیل علیه السلام و نوشته می شود برای او ده حسنه و انداخته می شود از او ده بدی و بالا برده می شود برای او ده درجه و او در نگه داری خداست و او را از شیطان نگه می دارد تا شب برسد و اگر شامگاهان این را بگویند برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ - بِإِسْنَادٍ لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتَحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگویند: اَمْسَيْنَا وَ اَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،....: به شب داخل شدیم و دارندگی همه ی کاینات برای خدایی است که پروردگار جهان است. خدایا از تو می خواهم خوبی امشب، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت در آن.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ: يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَدْعُو كُلَّ غَدَاةٍ: (اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ). تَعِيدَهَا حِينَ تَصْبِحُ ثَلَاثًا، وَ ثَلَاثًا حِينَ تَمْسِي، فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: فَا نَا أَحَبُّ أَنْ أَسْتَنْ بِسُنَّتِهِ.

از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم، من می‌شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می‌خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم. خدایا مرا عافیت ده در شنوایی‌ام. خدایا مرا عافیت ده در بینایی‌ام. خدایا پناه می‌برم به تو از کفر و فقر. خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر. نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می‌کنی. و سه بار هم شامگاهان تکرار می‌کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که به این کلمات دعا می‌فرمود و من دوست می‌دارم که راه او را بگیرم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ). أَذْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ، وَمَنْ قَاهُنَّ حِينَ يُمَيِّسِي أَذْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي لَيْلَتِهِ). بخاری این حدیث را ضعیف دانست و در دو کتاب التاریخ و الضعفا ضعف آن را بیان داشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم موقعی که وارد به شب می‌شوید و موقعی که وارد به روز می‌شوید. و ستایش برای اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد؛ و بدین گونه از گورها بیرون آورده می‌شوید. هر چه در آن روز از دست داده به دست می‌آورد و هر کس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می‌آورد».

این چه قدرتی است که شب تاریک را می‌برد و صبح دلنواز را به جای آن می‌نشاند و روز پرهیاهو را می‌برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می‌نشاند. این خدای متعال است که حمد جمیع کاینات در آسمان‌ها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه‌ی کاینات به حمد و تسبیح او مشغولند. حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می‌رساند که حمد او همیشه برقرار است. به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ را در سراسر جهان بسط می‌دهد. برای اینکه اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند و اگر کسی دل زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه‌ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیلی از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می‌آورد. و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی‌جان به وجود می‌آورد. بزرگی به خودش سزاوار است. از زمین مرده زمینی زنده به وجود می‌آورد. و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می‌آورد. و از پدری زنده به ایمان، پسری مرده به کفر را به اجتماع می‌سیارد تا بدانند که دل‌ها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می‌سازد بعد از مردنش و آن‌چنان هم شما بشر به یک باران رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می‌شوید تا هر کدام به سوی هدف خود روانه شوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ بَعْضِ بَنَاتِ النَّبِيِّ ﷺ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَعْلَمُهَا فَيَقُولُ: (قُولِي حِينَ تُصْبِحِينَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، فَإِنَّهُ مَنْ قَاهَنَّ حِينَ يُصْبِحُ حِفْظَ حَتَّى يُمِيسَ وَمَنْ قَاهَنَّ حِينَ يُمِيسَ حِفْظَ حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: «هر بامداد بگو: تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال. آنچه خدا بخواهد می‌شود. و آنچه نخواهد نمی‌شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است. نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد. کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يَقُولُ لَهُ أَبُو أَمَامَةٍ: فَقَالَ: (يَا أَبَا أَمَامَةٍ مَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ؟) قَالَ: هُمُومٌ لَزِمْتَنِي وَدُيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (أَفَلَا أَعَلَّمُكَ كَلَامًا إِذَا قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّكَ وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ؟) قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (قُلْ، إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ). قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى هَمِّي وَغَمِّي وَقَضَى عَنِّي دَيْنِي.

رسول الله ﷺ روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته‌ای؟» ابو امامه گفت: اندوه‌ها و بدهکاری‌هایی ملازم من شده‌اند یا رسول الله،

فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آن‌ها را بگویی خدا اندوهت را از میان بردارد و بدهکاری‌هایت را بپردازد». گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می‌برم به تو از غم و اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می‌برم به تو از چیره شدن بدهکاری و خوار شدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خدا اندوه مرا برد و دیونم را ادا فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِزَى رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (أُصْبِحُنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَمِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ) قُلْتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. (وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ) وَهُوَ غَيْرُ مُتَّبَعٍ، وَلَعَلَّهُ صلی الله علیه و آله قَالَ ذَلِكَ جَهْرًا لِيَسْمَعَهُ غَيْرُهُ فَيَتَعَلَّمَهُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

رسول الله صلی الله علیه و آله صبح که می‌شد می‌فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه‌ی اخلاص و دین پیغمبرمان محمد صلی الله علیه و آله و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم». امام نووی فرمود که: رسول الله صلی الله علیه و آله تابع کسی نیست بنابراین گفتن: دین نبینا شاید بلند فرموده به قصد اینکه مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند.

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای اینکه دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است و لیکن پدران و مادران، فرزندان را بر دین خودشان می‌پرورانند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت اینکه مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می‌شود و از جهت اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله

آن را املا می‌فرمایند ملت نامیده می‌شود و از جهت این که پیروی از آن می‌شود دین نامیده می‌شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. و حنیفاً: مائلاً عن کلّ دین إلى دین الإسلام. و کلمة الإخلاص: لا إله إلا الله می‌باشد. بنابراین ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (أُصْبِحُنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْعَظَمَةُ لِلَّهِ وَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ وَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ مَا سَكَنَ فِيهَا لِلَّهِ تَعَالَى، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هَذَا النَّهَارِ صَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَ آخِرَهُ فَلَاحاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ).

رسول الله ﷺ وقتی که صبح می‌شد می‌فرمود: «صبح و اگر دیم و همه‌ی کاینات برای خدای عزوجل است. و ستایش‌ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست. او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته پردازیم. و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هر کار رستگار شویم ای مهربان‌ترین مهربانان».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنَنِ بِإِسْنَادٍ فِيهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ الْحَشْرِ. وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُمِيسَ وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيداً، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمِيسَ كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطان نفرین شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر) خدا موکل می فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد. و اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می رسد و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل می شود هم به همان منزلت است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رضي الله عنه قَالَ: وَجَّهَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي سَرِيَّةٍ فَأَمَرَنَا أَنْ نَقْرَأَ إِذَا أُمْسَيْنَا وَأُصْبَحْنَا: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ فَقَرَأْنَا وَغَنِمْنَا وَسَلِمْنَا.

محمد بن ابراهیم از پدرش ابراهیم رضي الله عنه روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله ما را در سریه‌ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه‌ی ۱۱۵ از سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ و أَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ را در صبح و شام بخوانیم و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم.

تفسیر آیه: آیا گمان کرده‌اید شما را آفریدیم به بازی و به سوی ما باز نمی‌گردید: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾.

«برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است»؛ یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از

آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ».

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم بامداد و شامگاهان این دعا را می فرمود: «خدایا از تو می خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: (مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْمَعِي مَا أَوْصِيكَ بِهِ؟ تَقُولِينَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِكَ أَسْتَعِيْثُ فَأُصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به فاطمه، سیده نساء العالمین. سیده نساء هذه الأمة، سیده نساء اهل الجنة سلام الله عليها فرمود: کدام چیز مانعت می شود از اینکه بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر خلاق، طلب فریاد رسی می کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهدهی خودت است و یک چشم به هم زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا شَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم أَنَّهُ تُصِيبُهُ الْآفَاتُ فَقَالَ لَهُ الرَّسُولُ صلی اللہ علیہ وسلم: (قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ: بِأَسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِي، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ). فَقَاهُنَّ الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْآفَاتُ.

مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم و گفت: یا رسول الله، انواع آفت

به من می‌رسد: چیزی می‌خرم ضرر می‌کنم و چیزی می‌خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می‌رود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «صبح هر روز بگو: به نام خدا نگه‌داری خود و اهل و بستگانم قرار می‌دهم تا برکت نام خدا بر همه‌مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی‌رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَهَ وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا طَيِّبًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا).

رسول الله ﷺ بامداد هر روز می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاهت باشد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِتْرٍ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَعَافِيَتَكَ وَسِتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أُمْسَى كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده‌ام بر نعمت و عافیت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان. خداوند حق او می‌داند که این نعمت‌ها را بر او تکمیل کند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّي عَنْ زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ إِلَّا مُنَادٍ يُنَادِي: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ). وَفِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِّي: (إِلَّا صَرَخَ صَارِخٌ: أَيُّهَا الْخَلَائِقُ سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوسَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «هر بامدادی که مردم صبح وا می‌کنند، ندا زننده‌ای، ندا می‌زند، یعنی به آواز بلند می‌گوید که مردم بشنوند: پاک و منزّه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می‌کشد: «ای خلاق تسبیح خدا که الملك القدّوس است بگویند». المَلِک: از نام‌های پاک پروردگار است. القدّوس: از نام‌های پاک پروردگار متعال است. المَلِک: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القدّوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هر روز فرشته‌ای انجام می‌دهد و یقیناً که خلاق همه این ندا را اجابت می‌کنند، لیکن از بنی آدم چه اندازه اجابت می‌کنند خدا می‌داند! مقصود این است که ای خلاق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید. او را تسبیح و تنزیه گویند که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی‌توانند بکنند.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ بَرِيدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: رَبِّيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او واگذاشتم و او صاحب عرش عظیم است. نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلند مرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علوّ و عظمت او نمی‌رسد. آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد. یقین می‌دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي ضَمُّمٍ)؟ قَالُوا: وَمَنْ أَبُو ضَمُّمٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: (كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعِرْضِي لَكَ، فَلَا يَشْتُمُ مَنْ شَتَمَهُ وَلَا يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلَا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ).

رسول الله ﷺ به یاران فرمود: «آیا هر یک از شما نمی‌تواند مثل ابی ضمضم باشد؟» گفتند: ابوضمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: «ابوضمضم کسی است که صبح که می‌شد رو به خدا می‌کرد و می‌گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده‌ام، پس دشنام نمی‌داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی‌کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی‌زد کسی را که به او زده بود».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَ قَالَ: (مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَ حِينَ يُمَسِّي: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که هر روز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است. کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید. خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند». یعنی حوائج او را برآورده می‌سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده‌ی قلبی موافقت داشته باشد و با یقین به اینکه خدا کفایت کننده‌ی هر کسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ طَلْقِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ فَقَالَ: يَا أبا الدَّرْدَاءِ قَدْ اخْتَرَقَ بَيْتُكَ. قَالَ: مَا اخْتَرَقَ، لَمْ يَكُنِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِيَفْعَلَ ذَلِكَ بِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَالَهَا أَوَّلَ نَهَارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُمْسِيَ، وَ مَنْ قَالَهَا آخِرَ النَّهَارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).

مردی نزد ابی الدرداء آمد و گفت: خانه ات آتش گرفت. ابوالدرداء گفت: خانه ام آتش نگرفت و خدای عز و جل خانه ام را نمی سوزاند به برکت کلماتی که از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: «هر کس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد رسید و هر کس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی رسد آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی. آنچه خدا بخواهد می شود و آنچه خدا نخواهد نمی شود. نیست چاره ای برای دوری از گناه و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه و بسیار بزرگوار. می دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده است و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست. یقیناً پروردگارم به راه راست است.»

وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ لَمْ يَقُلْ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَ فِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ بِحُجَى الرَّجُلِ إِلَيْهِ يَقُولُ: أَدْرَكَ دَارَكَ فَقَدْ اخْتَرَقَتْ وَ هُوَ يَقُولُ مَا اخْتَرَقَتْ لِأَنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَ ذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِْبْهُ فِي نَفْسِهِ وَ لَا أَهْلِهِ وَ لَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ، وَ قَدْ قُلْتُهَا الْيَوْمَ، ثُمَّ قَالَ: أَنْهَضُوا بَنَاءَ، فَقَامَ وَ قَامُوا مَعَهُ، فَأَنْتَهَوْا إِلَى دَارِهِ وَ قَدْ اخْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا وَ لَمْ يُصِْبْهَا شَيْءٌ.

و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله ﷺ و از ابی الدرداء روایت نکرده است. و در آن آمده است که آن مردی که خبر می آورد، می رفت و می آمد و می گفت: برس به خانه ات که سوخت و او می گفت: نسوخته است برای اینکه از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: هر کسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی رسد و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی رسد و من این کلمات را امروز گفته ام. پس از آن گفت: بیایید برویم ببینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند. وقتی که به خانه ی او رسیدند دیدند خانه ی اطراف خانه اش سوخته و به خانه اش هیچ زیانی نرسیده است.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَ ابْنِ السُّنَنِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَرَأَ خَتَمَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يَمْسَى. وَ مَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمَسِّي حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که سوره ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می شود تا إليه المصیر بخواند و آیه الکرسی بخواند به برکت این دو نگاهداری می شود. اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می شود و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می شود». آن آیات عبارتند از:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ﴿حَمَّ * تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * غَافِرِ الذَّنْبِ وَ
 قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾.
 آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
 يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾.

این‌ها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آن‌ها را ذکر کنیم و
 برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به
 این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

(باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة)

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود.

بدان که هر چه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود. و
 بیش از هر روز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درود
 فرستادن بر رسول الله ﷺ.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ صَبِيحَةَ يَوْمِ
 الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، ثَلَاثَ
 مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید:
 أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. گناهش آمرزیده می‌شود و